احمس یا پارسا

سپنسر و ادیسون در شناسائی کنه حقیقت نشناختنی‏1و نیروی برق اظهار عجز خواهند کرد و کشور حقایق همان عرش ازلی خواهد بود که ام الکتاب در آنجا است.

(1) inknowable

احمس یا پارسا

قریش در جاهلیت که تولین خانه کعبه را بدست گرفتند مانند متولیان‏ معابد دیگر جهان مقامی برای خود پنداشته میگفتند ما فرزندان ابراهیم و اهل حرم‏ از حرم بیرون نرویم و مکانهای دیگر را مانند مکه احترام نگذاریم.ازاینرو در موسم حج در عرفه و عرفات درنگ نمی‏کردند و صفا و مرفه را جای‏ دیوان دانسته در آنجا طواف نمی‏کردند و از مزدئقه و قزح و معمس باز می‏گشتند و برای دیگر عربان آنرا روا میداشتند و برای فرزندان خمود اگر چه در غیر مکه میزادند حکم مکی را جاری میساختند.کم‏کم در حال احرا از گوشت‏ و روغن و شیر و کشک و بطورکلی حیوانی نمی‏خوردند و در خیمه‏های موئین نمی‏رفتند و جز بسایه خیمه‏های پوستی پناه نمی‏بردند و بمسافرین اجازه نمیدادند که از خوراک‏ محل خویش که با خود آوردند بخورند و با جامه خود در کعبه طواف کنند بلکه‏ بایستی با پوشاک آنها بپوشند و یا برهنه طواف نمائید وگرنه قریش آنانرا میزدند و برهنه‏شان میکردند و اگر کسی بجز قریش در جامه خود طواف میکرد بایستی آنرا بتفال پاک شدن از گناه یا باعتقاد نجس شدن آن از بر خود دور سازد که آنرا لقی میگفتند مردان برهنه و زنان با پارچه مشبک طواف میکردند زنی در حال‏ طواف گفت.

الیوم یبد و یعضه او کله‏ و مابد امنه فلا احله

مردی درباره جامه‏ای که دوست میداشت و آنرا پس از طواف دور انداخت‏ گفت:

کفی حزنا کری علیها کانها لقی بین ایدی الطائفین حریم

قریش اینگونه حدود را بحمس تعبیر کرده و خود را احمس و سختگیر می‏نامیدند و آنرا از دین و پارسائی میدانستند.

قبائل بنی عامر از هوازن و کنانه و خزاعه و جدیله از آنها پیروی‏ نمودند و در عداد احمسان و محرمان درآمدند.

آیات

(ان الصفا و المروة من شعائر اله)

و

(ثم افیضوا من حیث افاض الناس)

و

(خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلوا و اشربا)

تا

(قل من حرم زینة اللّه التی اخرج‏ لعباده)

اشاره باین خرافات است که بدستور پیغمبر اکرم منسوخ شده است‏ و او پیش از وحمی نیز با احمسان قریش مخالفت کرده بود.